

مینا اصفهانی
کارشناس
پژوهشی
مرکز تحقیقات

مقاله

مقاله

استراتژیک مجمع تشخیص
مصلحت نظام و مدرس دانشگاه
آزاد اسلامی می‌باشد و دارای مقاله
در حوزه‌های فرهنگی اجتماعی
می‌باشد.

نقش دانشگاه در توسعه فرهنگ عمومی

مینا اصفهانی



نام دانشگاه در جوامع انسانی با انباشتگی علم و پژوهش مترادف است. حضور و فعالیت نهاد دانشگاه در جامعه نویدبخش گسترش فرهیختگی در عرصه تصمیم‌گیریها است. تعامل فرهنگ و سایر وجوه اجتماعی موضوعی است که بنیاد بسیاری از دریافتها را در جامعه فراهم می‌سازد. بدون در نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگی؛ شناخت جامعه به خوبی امکان پذیر نمی‌باشد. در این پژوهش ابتدا تعریف فرهنگ، فرهنگ عمومی و نقش آن در جامعه، شاخصهای فرهنگی جامعه، مفهوم توسعه و توسعه فرهنگ را مدنظر قرار می‌دهیم و ضمن پرداختن به ارتباط فرهنگ با آموزش، نقش دانشگاه در توسعه فرهنگ را تبیین می‌نماییم. فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، دانشها، معارف، آداب و رسوم و ارزشهایی است که جامعه براساس اعتقاداتش آنها را تکامل بخشیده و براساس آن زندگی می‌کند. هدف از فرهنگ رسیدن به تعالی و تکاملی است که جهان بینی اعتقادی؛ آن را تبیین و تعریف کرده است. از این منظر فرهنگ عمومی عبارت است از مجموعه پاسخی که هر جامعه برای مسائل گوناگون پیدا می‌کند و این پاسخها بر تجربه‌های گذشته مبتنی هستند و یا براساس دستیابی به تواناییها به دست می‌آید. مکانیسمهای فرهنگ عمومی، شامل یادگیری، فرهنگ پذیری و جامعه پذیری می‌باشد. از این منظر اگر ما بخواهیم فرهنگ یک جامعه را بررسی کنیم عوامل مهمی در آن مطرح است. ما با تحلیل و ارزیابی باورهای ذهنی یک جامعه می‌توانیم در مورد فرهنگ آن جامعه قضاوت کنیم. شاخصهای فرهنگ یک جامعه از این منظر عبارتند از ارزشهای مطلق، ارزشهای اسطوره‌ای، شناخت و کشف نوآوری، تغییر پذیری و مقاومت در برابر تغییر، میزان اهمیت فرد در جامعه، اهمیت به کار و تلاش، روحیه کار گروهی، تعادل، تعارض هدفمند، انتقاد پذیری، ضابطه گرایی، انگیزه پیشرفت، بها دادن به کیفیت در همه امور، میزان بهره‌وری و کارایی، آینده نگری و دوراندیشی، توجه به آموزش، فرهنگ قناعت و تولید در برابر فرهنگ مصرف. از این منظر ابتدا به تعریف توسعه می‌پردازیم. توسعه مجموعه‌ای از موقعیتهای و قابلیت‌ها در سازمان یافتگی حیات مادی و معنوی افراد

جامعه به صورت فردی و جمعی است، که امکان می‌دهد به نیازهایشان پاسخ بدهند. این افراد می‌توانند نیازهای خودشان را با بالاترین حد خلاقیت ارضاء کنند. اما توسعه فرهنگی شامل توسعه در عرصه‌های فرهنگی است. یعنی ارتقاء و شکوفایی ابعاد علمی، فکری و مهارتهای ذهنی و عملی. بنابراین توسعه فرهنگی بخشی از توسعه همه جانبه است و الگوهای ویژه خودش را می‌طلبد. هر جامعه‌ای که می‌خواهد به توسعه فرهنگی دست پیدا کند باید در بستر فرهنگ خودش حرکت کند. توسعه فرهنگی مقدم بر ابعاد دیگر توسعه است. دانشگاه به عنوان یک نهاد فرهنگی می‌تواند گامهای اساسی را در زمینه توسعه فرهنگی بردارد. آنچه مسلم می‌باشد این است که فرهنگ ما یک فرهنگ ایرانی و اسلامی است. فرهنگ ایرانی تعارضی با فرهنگ اسلامی ندارد. ملاحظات اساسی که در سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش عالی کشور باید مورد لحاظ قرار گیرد عبارتند از: ۱- ترویج فرهنگ قرآنی. ۲- تفسیر فرهنگ بومی ۳- سیاست‌گذاری فرهنگی ۴- از بین بردن گسست

و شکاف بین آرمانهای فرهنگی و واقعیتهای فرهنگی جامعه ۵- مناسب‌سازی پژوهشهای دانشگاهها با نیازمندیهای کشور ۶- بازشناسی ارزشهای اسلامی ۷- تحول در نظام علمی کشور در پرتو فرهنگ اسلامی ۸- توجه به زمان و مکان در راهبرد توسعه فرهنگی ۹- تأکید بر هویت ملی با شناخت درست اسلام، نظام جمهوری اسلامی، تاریخ و فرهنگ و تمدن ایرانی ۱۰- شناخت افتخارات ملی، دانشگاه محل پیوند اندیشه و تحکیم مبانی معرفت انسانی در سطوح مختلف دانش و بینش است. فرهنگ یک مقوله ارزشمند با تأثیرات دوسویه است. برای ارتقای درونی آموزش و فرهنگ به عنوان دو مقوله وابسته به هم تنها توسعه مراکز علمی و تأکید بر الگوهای فرهنگی و آموزش؛ کافی نیست. بلکه یافتن زمینه‌های فرهنگی با تکیه بر اصول و مبتنی بر مبانی فرهنگی مطلوب و انطباق آموزش عالی با آن لازم است. دانشگاه به عنوان یک نهاد می‌تواند در نوکردن سیاست، اقتصاد و فرهنگ جامعه بسیار موثر باشد.